



## Analysis of Sports, Conflict Resolution and Actors; An Introduction to Sports Diplomacy

10.30495/PIR.2024.1990546.3650

Masoud Jaafarinejad<sup>1</sup>, Amir Reza Emami<sup>2\*</sup>, Amir Bagherzadeh Chungaralu<sup>3</sup>  
Reyhan Erturk<sup>4</sup>

Received:2023/11/11  
Accepted:2024/01/15

Research Article

### Abstract

Despite the increasing recognition of sports diplomacy, a more comprehensive understanding of its impact on conflict resolution is felt. This study seeks to address the current gap in the literature by providing a nuanced exploration of the role of sports diplomacy within the context of 'sport and conflict resolution.' The main question is: "What is the role of sports diplomacy in conflict resolution for state and non-state actors?". It is hypothesized that the strategic deployment of sports diplomacy is an effective tool in establishing communication and strengthening dialogue in conflict resolution between the involved parties. The research findings indicate that the state actors have used sports diplomacy to fulfill their foreign policy goals to secure their direct or indirect interests. In fact, for states, sports always come second after survival and security, and non-state actors, who are often established as mediators to create and promote peace, use sports diplomacy to remove friction and resolve conflicts between state and non-state actors, create stability, strengthen peace, and ultimately provide human security. The qualitative research method is based on description analysis, and data collection was done through library and virtual resources.

**Keywords:** Sports Diplomacy, Conflict Resolution, State Actors, Non-State Sports Actors, Peace

Jaafarinejad, M., Emami, A. R., Bagherzadeh Chungaralu, A., & Erturk, R. (2023). Analysis of Sports, Conflict Resolution and Actors; An Introduction to Sports Diplomacy. *Journal of Political And International Research*, 15(56), pp. 15-30.

<sup>1</sup> Associate professor of political science, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Iran. [Jafarinezhad@iaush.ac.ir](mailto:Jafarinezhad@iaush.ac.ir)

<sup>2</sup> Graduate of International Relations, Department of Law and Political Science, Faculty of Law and Political Science, Yazd, Yazd University, Iran. (**Corresponding Author**) [amirrezaemami@stu.yazd.ac.ir](mailto:amirrezaemami@stu.yazd.ac.ir)

<sup>3</sup> M.A. student in Political Science, Department of Law and Political Science, Faculty of Humanities and Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. [amirturk736@gmail.com](mailto:amirturk736@gmail.com)

<sup>4</sup> B.A. student in Political Science and International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Inonu University, Malatya, Turkey. [reyhan.erturk02@gmail.com](mailto:reyhan.erturk02@gmail.com)



## تحلیل ورزش، حل منازعه و بازیگران؛ مقدمه‌ای بر دیپلماسی ورزشی

10.30495/PIR.2024.1990546.3650

مسعود جعفری نژاد<sup>۱</sup>، امیررضا امامی\*<sup>۲</sup>، امیرباقرزاده چونقرالو<sup>۳</sup>، ریحان ارترک<sup>۴</sup>

<b>مقاله پژوهشی</b>	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

### چکیده

علیرغم شناخت روزافزون دیپلماسی ورزشی، درک جامع‌تری از تأثیر واقعی آن بر حل منازعه احساس می‌شود. این مطالعه به دنبال پرداختن به شکاف فعلی در ادبیات، با ارائه کاوشی ظریف در مورد نقش دیپلماسی ورزشی در چارچوب «ورزش و حل منازعه» است. سوال اصلی عبارتند از: «نقش دیپلماسی ورزشی در جهت حل منازعه برای بازیگران دولتی و غیردولتی چیست؟». فرضیه آن است که استقرار استراتژیک دیپلماسی ورزشی به عنوان یک ابزار موثر در ایجاد ارتباطات و تقویت گفتگو، در بستر حل منازعه بین طرف‌های درگیر عمل می‌کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بازیگران دولتی نیز به جهت تحقق اهداف سیاست خارجی خود، از دیپلماسی ورزشی استفاده نموده تا که منافع مستقیم یا غیر مستقیم خود را تأمین نمایند. در واقع برای دولت‌ها، همیشه بعد از بقا و امنیت ورزش در رتبه دوم قرار می‌گیرد و بازیگران غیردولتی نیز که غالباً به‌عنوان میانجی و با هدف ایجاد و ترویج صلح تأسیس شده‌اند، از دیپلماسی ورزشی در جهت رفع اصطکاک و حل منازعه بین بازیگران دولتی و غیر دولتی، ایجاد ثبات و تقویت صلح و نهایتاً تأمین امنیت انسانی، استفاده می‌نمایند. روش پژوهش کیفی، مبتنی بر توصیف-تحلیل، بوده و گردآوری داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و مجازی صورت گرفته است.

**واژگان کلیدی:** دیپلماسی ورزشی، حل منازعه، بازیگران دولتی، بازیگران غیردولتی ورزشی، صلح.

جعفری نژاد، مسعود؛ امامی، امیررضا؛ باقرزاده چونقرالو، امیر؛ ارترک، ریحان (۱۴۰۲). تحلیل ورزش، حل منازعه و بازیگران؛ مقدمه‌ای بر دیپلماسی ورزشی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۶، صفحات ۳۰-۱۵

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، ایران، [Jafarinezhad@iaush.ac.ir](mailto:Jafarinezhad@iaush.ac.ir)

<sup>۲</sup> فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)  
[amirrezaemami@stu.yazd.ac.ir](mailto:amirrezaemami@stu.yazd.ac.ir)

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. [amirturk736@gmail.com](mailto:amirturk736@gmail.com)

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه اینونو، مالاتیا، ترکیه. [reyhan.ertrk02@gmail.com](mailto:reyhan.ertrk02@gmail.com)

## مقدمه

ورزش همواره راهی به سوی تعامل مسالمت آمیز مردم از ملل مختلف فراهم کرده که این توانایی ورزش فراتر از سیاست یا دین است؛ چراکه بیشتر انسان‌ها به زبان جهانی ورزش می‌توانند با یکدیگر صحبت کنند که این نقش، در برقراری ارتباط و تعامل بین کشورها نیز دارای سابقه طولانی است (زرگر، ۱۳۹۴: ۲۶). ژاپن و کره‌ی جنوبی نشان دادند که می‌توانند روابط سرد خود را به حالت تعلیق درآورده و با یکدیگر جام جهانی ۲۰۰۲ را، سازماندهی و میزبانی کنند (Murray and Haidley, 2022: 83). درحالی که جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۷۸ هیچ رابطه دیپلماتیک رسمی با یکدیگر نداشته‌اند، کشتی آزاد توانست به عنوان «دیپلماسی ورزشی»<sup>۹</sup> ایجاد رابطه غیر رسمی بین دو کشور فراهم کند (Chehabi, 2001: 93). این موارد تنها از نمونه‌های متعددی هستند که توانایی ورزش را در ارتباط با منازعات نشان می‌دهند. با این حال، «ورزش و حل منازعه»<sup>۱۰</sup> به همان اندازه که مورد تحسین قرار می‌گیرد، در تئوری و عمل نیز انتقاداتی به آن وارد است. بعضی از جامعه‌شناسان، بر این باور هستند که ورزش نمی‌تواند منازعات را حل نماید. به طور مثال همان‌طور که ورزش «کریکت»<sup>۱۱</sup> دو کشور هند و پاکستان را برای مدتی به یکدیگر نزدیک می‌کند، اما در مقایسه با مسائل پیچیده‌ای مانند امنیت هسته‌ای، کشمیر و ... کم‌اهمیت است. یا انتقاد دیگر در ارتباط با روابط بین روسیه با کشورهای اروپایی و ایالات متحده است که تأثیر آن بر حوزه ورزش به طور فزاینده‌ای احساس می‌شود (Bogolyubova & et al, 2023: 350).

از طرف دیگر در پیوند سیاست با ورزش، دیپلماسی ورزشی توجه قابل ملاحظه‌ای را در بحث پیرامون روابط بین بازیگران مختلف به خود جلب کرده که شامل تعاملات بین دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و ... در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های ورزشی، اقتصادی و سیاسی جهانی است (Postlethwaite & et al, 2022: 368). لذا در این پژوهش، نویسندگان قصد دارند نشان دهند که چنین انتقادهایی در مورد ورزش و حل منازعه (SCR) می‌تواند از طریق زاویه دیدی به نام دیپلماسی ورزشی به حداقل برسد. بنابراین سوال پژوهش این است که نقش دیپلماسی ورزشی در جهت حل منازعه برای بازیگران دولتی و غیردولتی چیست؟

هدف از پژوهش حاضر این است که نشان داده شود دیپلماسی ورزشی برای بازیگران دولتی و غیردولتی، نقشی حائز اهمیت داشته و می‌تواند در حل منازعه، صلح‌سازی و به طور کلی در روابط بین‌الملل نقش کلیدی ایفا نماید. منبع الهام این دیدگاه را می‌توان در تعهد کشورها به برنامه دستور کار سازمان ملل متحد برای تغییر ۲۰۳۰ جستجو کرد که ورزش را برای حل منازعه، صلح و توسعه، به عنوان بخش جدایی ناپذیر استراتژی‌های دیپلماتیک خود معرفی می‌کنند. بنابراین می‌توان متصور شد که کلید تقویت (SCR)، این است که ورزش به عنوان شکلی از دیپلماسی در روابط بین‌الملل، در نظر گرفته شود.

## ۱- ادبیات پژوهش

ادبیات پژوهش، ارزیابی انتقادی ادبیات موجود در آن حوزه است. بررسی‌های صورت گرفته از پژوهش‌های داخلی و خارجی حاکی از آن است که پژوهش‌های مرتبط با ورزش و حل منازعه به چند بخش تقسیم می‌شوند؛ ورزش و حل منازعه، دیپلماسی ورزش و صلح، ورزش و قدرت نرم، دیپلماسی ورزشی، ورزش برای توسعه و صلح. لذا مباحث و موضوعاتی که بیشترین قرابت مفهومی با پژوهش حاضر داشته، شناسایی شده و نهایتاً دسته‌بندی به شرح ذیل ارائه می‌گردد؛

جدول (۱) پیشینه پژوهش

شماره	عنوان	نویسندگان	روش	موضوعیت پژوهش

<sup>9</sup> Sports Diplomacy

<sup>10</sup> Sport and Conflict Resolution (SCR)

<sup>11</sup> Cricket

دپلماسی ورزشی	کیفی مبتنی بر رویکرد تحلیل سیستماتیک	سیده شیما موسوی گرگری و همکاران (۱۴۰۱)	نقش دیپلماسی ورزشی در ارتقای تعاملات بین‌المللی (نظریه داده بنیاد).
	کیفی مبتنی بر پیمایش	عبدی و همکاران (۱۳۹۷)	شناسایی استراتژی‌های تبدیل منابع دیپلماسی ورزشی به برآمدهای مطلوب سیاسی از منظر نخبگان بین‌المللی.
	کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی تحلیلی	علی صباغیان، (۱۳۹۴)	دپلماسی ورزشی
	کیفی مبتنی بر مطالعات موردی	استوارت موری (۲۰۱۸)	دپلماسی ورزشی؛ ریشه‌ها، تئوری و عمل.
	ارائه یک طبقه بندی تحلیلی از همگرایی بین ورزش بین‌المللی و دیپلماسی	استوارت موری و جفری آلن پیگمن (۲۰۱۴)	شناسایی رابطه بین ورزش بین‌المللی و دیپلماسی.
ورزش و قدرت نرم	کیفی مبتنی بر مطالعه موردی	سودابه مختاری و گارینه کشیشیان سیرکی (۱۴۰۱)	تأثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی بر روابط ایران و آمریکا: مطالعه موردی دیپلماسی کشتی (۱۹۹۸ - ۲۰۱۳).
	پدیدارشناسی	محمد خبیری و ابوذر فتاحی‌زاده (۱۳۹۸)	دیپلماسی ورزشی: ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی.
	کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی تحلیلی	فاطمه شاهرضایی و رضا شیرزادی (۱۳۹۷)	ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل.
	کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی تحلیلی	افشین زرگر (۱۳۹۴)	ورزش و روابط بین‌الملل؛ جنبه‌های مفهومی و تئوریک.
ورزش برای توسعه و صلح	جامعه‌شناسی تاریخی	شولنکورف و همکاران (۲۰۱۶)	ورزش برای حل منازعه و ایجاد صلح.
	پدیدار شناسی	جان ساگدن (۲۰۱۰)	رنالیسم انتقادی چپ و مداخلات ورزشی در جوامع چندپارچه.
ورزش و حل منازعه	کیفی مبتنی بر مطالعات موردی	استوارت موری و شینا هایدلی (۲۰۲۲)	ورزش، حل منازعه و دیپلماسی.
دپلماسی ورزش و صلح	کیفی مبتنی بر پیمایش	عبدی و همکاران (۱۳۹۸)	تعیین جایگاه صلح بین‌المللی در مدل دیپلماسی ورزشی.

"منبع: نویسندگان پژوهش"

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش، مشخص است که در پژوهش‌های مرتبط با ورزش و حل منازعه، از ورزش به عنوان ابزاری قدرتمند در جهت دیپلماسی و روابط بین‌الملل، کمتر یاد شده یا کلاً دیپلماسی ورزشی را صرفاً به قصد تامین منافع دولت‌ها بررسی نموده و پژوهشی از دیگر بازیگران در این عرصه ذکر نشده و یا اینکه ورزش و حل منازعه را بدون دیپلماسی ورزشی آورده‌اند؛ حال آنکه دیپلماسی ورزشی می‌تواند برای بازیگران غیر دولتی، دولتی، درون جوامع و همه گروه‌ها و افراد درگیر منازعه، نقشی متمر ثمر ایفا نماید. مضافاً، پژوهشگران دیپلماسی ورزشی در داخل، غالباً از طیف رشته‌های ورزشی بوده

و رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل کمتر به این موضوع پرداخته‌اند و خلا رویکرد سیاسی به این امر به وضوح دیده می‌شود. بنابراین هرچند پژوهش‌های زیادی درباره ورزش و حل منازعه انجام شده است (Forster, 2017; Schulenkorf, 2010; Sugden, 2013; Sugden, 2016; et al, 2016)، اما پژوهش‌های اندکی، دانش منسجم در ارتباط ورزش و حل منازعه با مفهوم دیپلماسی ورزشی، تولید کرده‌اند (Murray and Haidley, 2022) و تقریباً هیچ پژوهشی به تحلیل و بررسی نقش دیپلماسی ورزشی در جهت حل منازعه برای بازیگران دولتی و غیردولتی نپرداخته است. پژوهش‌هایی که تمرکزشان بر ورزش و حل منازعه بوده، در بافت قدرت نرم، صلح محوری و توسعه معطوف بوده و لذا نوآوری پژوهش حاضر از آن جهت است که با اتخاذ رویکرد کیفی، روش توصیفی-تحلیلی، راه تقویت چارچوب ورزش و حل منازعه را دیپلماسی ورزشی دانسته و ورزش را به عنوان شکلی از دیپلماسی در روابط بین‌الملل، در نظر می‌گیرد.

## ۲- روش پژوهش

روش‌شناسی، مطالعه منظم و منطقی اصولی است که تفحص علمی را راهبری می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۲). روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش توصیفی-تحلیلی است که به منزله پژوهش کیفی محسوب می‌گردد. پژوهش کیفی رویکردی کل‌گرا و تفسیرگرا دارد و برای اکتشاف در یک زمینه طبیعی انجام می‌شود (عابدی و شواخی، ۱۳۸۸: ۱۶۳). در تحقیقات توصیفی تحلیلی محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. از ویژگی‌های تحقیق توصیفی این است که محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آنها را دست‌کاری یا کنترل نمی‌کند و صرفاً آنچه را وجود دارد مطالعه کرده، به توصیف و تشریح آن می‌پردازد؛ لذا با توجه به توضیحات مذکور، روش پژوهش حاضر، کیفی و مبتنی بر توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات بر پایه مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای، مجلات معتبر علمی پژوهشی و ترویجی و منابع مجازی است؛ از آنجا که پژوهش حاضر سعی دارد نقش دیپلماسی ورزشی را بررسی نماید، لذا در ابتدای امر تعاریف مرتبط با پژوهش دیپلماسی، حل منازعه و صلح را تبیین نموده و سپس با استعانت از چارچوب نظری پژوهش که مبتنی بر «ورزش و حل منازعه است» (SCR)، شاکله پژوهش توضیح و سرانجام از لنز دیپلماسی ورزشی، به بررسی و تحلیل حل منازعه برای بازیگران دولتی و غیر دولتی اقدام می‌گردد.

## ۳- تعاریف

در روابط بین‌الملل همواره مفاهیمی مانند دیپلماسی یا حل منازعه و صلح، مورد مناقشه بوده و در این بخش سعی شده است تا تعاریف دقیقی از این دو مفهوم مهم صورت پذیرد تا بتوان با رابویه دید مناسبی به بررسی ورزش و حل منازعه و دیپلماسی ورزشی پرداخت.

## ۳-۱- دیپلماسی

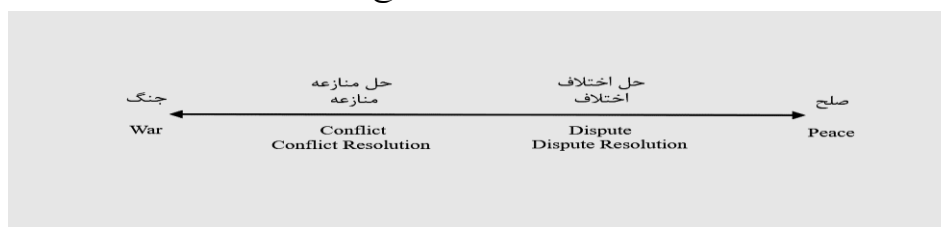
این اصطلاح برای کانال‌های رسمی ارتباطی که توسط دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، به کار رفته و هدفش پیشبرد سیاست خارجی یک کشور است. لذا، دیپلماسی ابزار اصلی برای اجرای سیاست خارجی در زمان صلح و برقراری ارتباط در زمان منازعه است (Trunkos and Heere, 2017: 14). در دهه ۱۹۹۰، مفهوم دیپلماسی گسترش یافت (Murray & et al, 2011: 715) و به طور تجربی نشان داده شد که تنها دولت دارای انحصار کارکردهای اصلی دیپلماسی مثل «ارتباطات، مذاکره، جمع‌آوری اطلاعات، به حداقل رساندن اصطکاک» نباید باشد و همه انسان‌ها به خودی خود دیپلمات هستند. از اینجا بود که ورود بازیگران غیر دولتی به عرصه دیپلماسی گشوده شد. بازیگران غیردولتی، به نگرانی‌های دولتی مانند بقا، امنیت و منافع

ملی محدود نبوده (Der Derian, 1987: 100) و به همین دلیل است که «شارپ»<sup>۱۲</sup>، یکی از دانشمندان دیپلماسی، معتقد است که «دیپلماسی سیستمی است واسطه، که فقط توسط دولت‌ها پیگیری نشده و در عوض توسط انسان‌هایی درگیر در نوع خاصی از عملکرد اجتماعی نیز برقرار می‌گردد» (Sharp, 2012: 65). بنابراین دیپلماسی مدرن از روش سنتی که دیپلمات‌ها ترجیحات کشور خود را در نشست‌ها یا مذاکرات چندجانبه اعلام می‌کردند، به سمت فعالیت از طریق بسیاری از بازیگران جدید حرکت کرد. ممکن است حتی دولت در این تعاملات شرکت نکند اما در عوض یک ورزشکار، هنرمند و... می‌تواند منافع دولت را در رویدادهای مختلف نمایندگی کند (Trunkos and Heere, 2017: 16). در واقع همه‌ی این‌ها زبان‌های قدرت نرم جهانی هستند که ارتباط میان بازیگران مختلف در داخل و خارج را تسهیل می‌نمایند.

### ۳-۲- حل منازعه یا صلح

منظور از منازعه، جنگ نیست و همان‌طور که در فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد به آن اشاره شده، جنگ منازعه‌ای است پیرامون حاکمیت که در آن کشمکش مسلحانه، بی‌رحمانه و خشونت بار میان دو طرف یا بیشتر روی می‌دهد (Brown, 2018: 59). پس منظور از منازعه و حل منازعه چیست؟ در تعریف منازعه، کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن مقرر می‌دارد که هر درگیری که ممکن است بین دو یا چند طرف عالی متعهد (دولت‌ها) رخ دهد، منازعه محسوب می‌شود حتی اگر وضعیت منازعه توسط یکی از آن‌ها به رسمیت شناخته نشده باشد. پروتکل‌های الحاقی، تصریح می‌کند منازعات داخلی یعنی هر نوع درگیری با ماهیت داخلی بین نیروهای یک طرف متعهد (دولتی) و نیروهای مخالف یا سایر گروه‌های سازمان یافته تحت یک فرماندهی مسئول از طرف دیگر (Richmond and Visoka, 2022: 267-270). حل منازعه بهترین مکانیسمی است که در آن طرف‌های درگیری توافق می‌کنند که ناسازگاری‌های اصلی را حل، ادامه حیات یکدیگر را پذیرفته و تمام اقدامات علیه یکدیگر را متوقف کنند. در واقع حل منازعه واژه‌ای جامع برای طیف وسیعی از ایده‌ها، روش‌ها و رویکردها برای مقابله و کاهش منابع منازعه و یافتن راه حل مسالمت آمیز در قالب فرآیند غیررسمی یا رسمی است (Wani, 2011: 109). اصطلاح حل منازعه به صورت اشتباه و گاهی به جای عبارت حل اختلاف استفاده می‌شود. فرآیندهای حل منازعه عموماً شامل مذاکره، میانجیگری و دیپلماسی است. فرآیندهای داوری، دعوی قضایی و فرآیندهای رسمی شکایت، معمولاً با اصطلاح حل اختلاف توصیف می‌شوند؛ اگرچه برخی، به عنوان حل منازعه یاد می‌کنند (Bercovitch and Jackson, 2009: 8). البته درک این امر مهم است که با حل منازعه، لزوماً صلح به دست نمی‌آید. چرا که به صورت تجربی مشخص شده که بعد از حل منازعات، لزوماً صلحی پدید نیامده است؛ مانند روابط دولت‌ها در زمان جنگ سرد (Imm, 2022; Colgan & et al, 2018). بنابراین می‌توان به صورت طیفی، جایگاه منازعه را ترسیم نمود.

شکل (۱) نمودار طیفی صلح و جنگ



"منبع: نویسندگان پژوهش"

### ۴- چارچوب نظری؛ ورزش و حل منازعه (SCR)

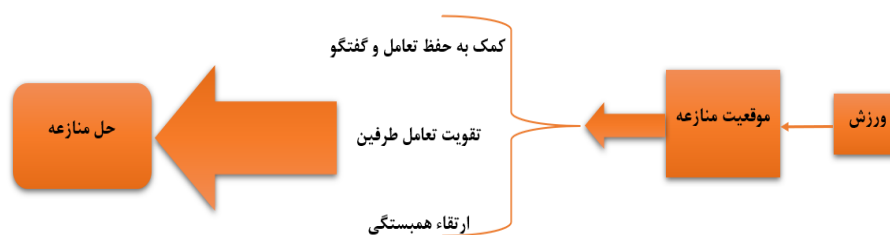
ریشه (SCR) را باید در اثر آلپورت<sup>۱۳</sup> و همکارانش جستجو کرد (Schulenkorf & et al, 2016: 153). در این کتاب ادعا شد که ایجاد روابط بین گروه‌های مخالف و درگیر منازعه (که شامل همه بازیگران از جمله دولتی و غیر دولتی می‌شد)،

<sup>12</sup> Paul Sharp

<sup>13</sup> Gordon Willard Allport

از طریق ورزش، به طور خودکار بهبود نمی‌یابد (Allport & et al, 1954: 202). با تکیه بر این مفهوم بود که در دهه ۶۰ میلادی، جامعه‌شناسان استدلال کردند ذات ورزش اغلب مقابله‌جویانه است و به عنوان منبع منازعه در درون و بین جوامع عمل می‌کند (Sugden, 2013: 84). این درک از ورزش شناسه عصری بود که با جنگ، منازعات ایدئولوژیک و ناسیونالیسم مشخص می‌شد (Gluckman, 1973: 50). در دهه ۱۹۷۰، دید مثبتی نسبت به نقش ورزش در برقراری حل منازعات و صلح صورت گرفت. در واقع در دهمین کنگره المپیک شعاری مطرح شد؛ «ورزش در خدمت صلح». چنین مفهوم ارزشمندی منجر شد دوران جدیدی از تحقیقات علمی در مورد این مفهوم آغاز شود. از آن زمان بود که پژوهشگران (SCR) نشان دادند که ورزش می‌تواند فضای نسبتاً امنی را برای رقابت فراهم نموده، جهت منازعات را تغییر داده، برای جوامع درگیر منازعه به عنوان یک اهرم عمل کرده و بهشتی برای تعلیق موقت درگیری‌ها و منازعات ایجاد نماید. در حالی که چنین ایده‌هایی بلندپروازانه به نظر می‌آمدند، نهایتاً ورزش به عنوان یک نیروی خیر اجتماعی مشروعیت یافت (Sugden, 2010: 263-264). با این حال، نظریه (SCR) جریان نسبتاً جدیدی است و همچنان تعریف مشترک و توافق شده‌ای از آن به ندرت یافت می‌شود. اما به طور کلی ورزش از منظر توسعه، می‌تواند ابزاری ایده‌آل، مقطعی، کم‌هزینه و با تأثیر زیاد بوده و به منظور پیشبرد اهداف توسعه محلی، ملی و جهانی مورد استفاده قرار گیرد (Schulenkorf & et al, 2016: 155-156) و از منظر موقعیت‌های منازعه و پس از آن، می‌تواند تعامل بین جوامع، مردم و فرهنگ‌ها را تقویت نموده، همبستگی بین بخش‌های مختلف جامعه را ارتقا داده، به حفظ گفتگو بین طرفین در یک موقعیت درگیری آشکار یا پنهان کمک نموده و با آمادگی افراد برای مشارکت در جامعه، منجر به ایجاد یک خروجی سازنده برای بازیگران دولتی و غیردولتی، افراد و گروه‌های درگیر منازعه شود. بنابراین، هدف در (SCR) ایجاد فرصت‌هایی برای حل منازعات است.

شکل (۲) ورزش و حل منازعه (SCR)



منبع: نگارندگان پژوهش

## ۵- ویژگی دیپلماتیک ورزش

شواهد انسان‌شناسی معتقد است دویدن، ورزش و ... در DNA انسان تنیده شده و اگر به ورزشکاران نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد ورزشکاران در سرتاسر جهان مهارت‌های یکسانی را تمرین می‌کنند (Meier, 1981: 82). در حالی که انسان‌ها با دولت، زبان، مذهب و ... جدا از یکدیگر در حال زیستند، ورزش امری است که همه آن‌ها در آن مشترک هستند. لذا همین ویژگی جهانی بودن ورزش است که آن را به ابزاری عالی برای دیپلماسی و سیاست تبدیل می‌کند. تعدد شواهد تاریخی، اعتبار بیشتری بر این عقیده می‌گذارد؛ با این که «اسپارتا»<sup>۱۴</sup>، «آرگوس»<sup>۱۵</sup>، «آتن»<sup>۱۶</sup> و دیگر شهرهای یونان، منازعات، رقابت‌های نظامی و اختلافات سیاسی خود را داشتند، اما با آغاز المپیا باستانی، منازعات بین دولت‌های یونان متوقف می‌شد (Lee, 1998: 129). پس از یک قرن خصومت «فرانسوا اول»<sup>۱۷</sup> پادشاه فرانسه و «هنری هشتم»<sup>۱۸</sup> پادشاه انگلستان، در نشستی یکدیگر را ملاقات کرده و به اتفاق همراشان در مسابقات کشتی و تیراندازی با کمان شرکت کردند. این رویداد به عنوان وسیله‌ای برای

<sup>14</sup> Sparta

<sup>15</sup> Argos

<sup>16</sup> Athens

<sup>17</sup> Francis I

<sup>18</sup> Henry VIII

رفع منازعات و تقویت پیوند دوستی بین یکدیگر بود (Murray and Pigman, 2014: 1102). مثال دیگر دیپلماسی پینگ است. بازدید تیم تنیس روی میز ایالات متحده از چین در سال ۱۹۷۱ و انجام یک سری مسابقات (Wen, 2023: 119)، منجر به عادی‌سازی روابط چین و ایالات متحده پس از دهه‌ها خصومت شد (صباغیان، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

به هر روی با نگاهی به گذشته، متوجه خواهیم شد که ملت‌های اولیه از ورزش برای اهداف اجتماعی و دیپلماتیک به ویژه جلوگیری از منازعه استفاده می‌کردند. در واقع ورزش به عنوان یک فرایند متمدن، نقش حیاتی ایفا می‌کرد و اغلب منازعه را کاهش می‌داد (Dunning, 1990: 66) که آن‌هم به خاطر ذات دیپلماتیک ورزش است که «کنراد لورنز»<sup>۱۹</sup>، برنده جایزه نوبل، نیز بر آن اذعان دارد؛ «ورزش شکل خاص انسانی از نبرد غیر خصمانه (دیپلماسی) است» (Lorenz, 2005: 271). در واقع ورزش راهی برای اجتناب از درگیری، منازعه و یک ابزار دیپلماتیک قدرتمند است که کمتر به آن توجه شده اما با ورود دیپلماسی ورزشی، این خلا در حال پر شدن است. از آنجا که ورزش به خودی خود نوعی دیپلماسی بوده (Murray, 2018: 136)، می‌توان از لنز دیپلماسی ورزشی، (SCR) را پیش‌برد؛ چرا که با توجه به تغییرات ایجاد شده در فضای دیپلماتیکی که کشورها ناچار به پذیرش آن بوده و خستگی مردم از جنگ و منازعات، تمایل بیشتر مبنی بر رقابت‌های نرم، احساس می‌شود و ویژگی جهان شمولی، جذابیت و تصویر قابل‌پذیرشی که دیپلماسی ورزشی به جهانیان نشان می‌دهد، باعث می‌گردد که این مسیر مناسبی جهت حل منازعات و نهایتاً همان‌طور که عبدی و همکارانش بر آن اذعان دارند، «هدف غایی دیپلماسی ورزشی، صلح‌سازی» باشد (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳).

## ۶- دیپلماسی ورزشی، حل منازعه و بازیگران

دیپلماسی ورزشی رشته جدیدی از مطالعات آکادمیک است که در دهه‌های گذشته ظهور کرده و از آن به عنوان «تقاطع قلمروها»<sup>۲۰</sup> یاد می‌شود (Rofe, 2021: 9). در تعریف دیپلماسی ورزشی، خبیری و فتاحی‌زاده آن را در چارچوب دولت-ملت تعریف نموده و معتقدند دیپلماسی ورزشی، فعالیت‌های دیپلماتیک و نمایندگی اصحاب ورزش به نیابت از دولت-ملت متبوع آن‌ها برای اثرگذاری بر اذهان مردمان و دولت‌های دیگر در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی دولت-ملت مبدأ است (خبیری و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۰). موسوی گرگری و همکاران نیز همین دیدگاه را دارند و اذعان دارند دیپلماسی ورزشی ابزاری برای استحکام ثبات بین‌المللی و جایگزینی جنگ بین کشورهاست (موسوی گرگری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۹). شاهرضایی و شیرزادی نیز دیپلماسی ورزشی را قابلیت نرم‌افزاری دانسته که دولت‌ها را به مقاصد خویش نزدیک می‌گرداند (شاهرضایی و شیرزادی، ۱۳۹۷: ۱۴۷) اما تعریف جامع از دیپلماسی ورزشی را «استوارت موری»<sup>۲۱</sup> دارد: «دیپلماسی ورزشی یعنی استفاده آگاهانه و استراتژیک از ورزشکاران و رویدادهای ورزشی توسط بازیگران دولتی و غیردولتی برای به حداقل رساندن منازعات، ایجاد ارتباط و تعامل، آگاهی‌رسانی و ایجاد تصویری مطلوب در بین مردم و سازمان‌های خارجی برای شکل دادن و بهبود یک رابطه و نزدیک کردن طرفین به یکدیگر» (Murray, 2017: 845). لذا با تامل می‌توان گفت که دیپلماسی ورزشی نوعی بازاندیشی تشریک مساعی است؛ چرا که این حوزه‌ی جدید و بزرگ، می‌خواهد وراى ورزش و سیاست، نظم بیشتری را به ارمغان آورده و از قدرت ورزش برای ایجاد تغییر در سطوح سیاسی محلی، ملی و بین‌المللی و همچنین بهبود روابط و مشارکت‌های پایدار برای منافع متقابل استفاده نماید.

به هر روی، بسیاری از دولت‌ها به سمت دیپلماسی ورزشی روی آورده‌اند. رهبران هند و پاکستان با هدف کاهش تنش‌ها، اغلب از دیپلماسی ورزشی (کریکت) استفاده می‌کنند (Moolakkattu, 2020: 430). عربستان سعودی با تلاش در سرمایه‌گذاری در مجموعه متنوعی از رویدادهای ورزشی، به دنبال بهبود موقعیت استراتژیک خود از طریق دیپلماسی ورزشی است (Ettinger, 2023: 10-17). قطر به طور فزاینده‌ای در تلاش است که از طریق سرمایه‌گذاری در ورزش، انسجام

<sup>19</sup> Konrad Lorenz

<sup>20</sup> The Intersection of Realms

<sup>21</sup> Stuart Murray



اجتماعی و هویت ملی خود را ارتقا دهد که بهترین نمونه آن جام جهانی ۲۰۲۲ بود (Bianco, 2023: 5-15). هم‌چنین با بررسی برنامه جامع ۲۰۳۰ می‌توان دریافت که کشورها نیز با یکدیگر رقابت زیادی در این زمینه دارند؛ در حالی‌که که چین از طریق «دیپلماسی استادیومی»<sup>۲۲</sup> استراتژی توسعه خود را دنبال می‌نماید، استرالیایی‌ها استراتژی نوآورانه‌تری را اتخاذ کرده‌اند که در برنامه ورزشی ۵۲ میلیون دلاری خود گنجانده‌اند (Murray and Yang, 2023: 265).

## ۶-۱- بازیگران دولتی

«کارگروه بین‌المللی ورزش برای توسعه و صلح»<sup>۲۳</sup> که یک نهاد مشورتی بین دولتی است، معتقد است که «SCR» در عمل به اراده دولت‌ها بستگی دارد و اگر از ابزار دیپلماسی ورزشی به خوبی بهره‌مند شوند، می‌توانند در راه رفع منازعات گام‌های مثبتی بردارند (Redeker, 2008: 498). لذا، صنعت ورزش تنها در صورتی توسط دولت‌ها پذیرفته می‌شوند که برای یک دولت منافع مستقیمی داشته باشد یا به تحقق اهداف سیاست خارجی کمک کند. بنابراین برای دولت‌ها، ورزش همیشه بعد از بقاء، ملی‌گرایی، تجارت و امنیت، در رتبه دوم قرار می‌گیرد (Murray, 2022: 107). مصداق‌های ذیل راهگشای فهم این مفهوم است؛

پس از ۱۱ سپتامبر، وزارت امور خارجه ایالات متحده ابتکار «اتحادیه ورزش‌ها»<sup>۲۴</sup> را به‌عنوان راهی برای تعامل با جوانان مسلمان در سراسر خاورمیانه، آفریقا و جنوب آسیا به راه انداخت. از این روی، برنامه دیپلماسی ورزشی در افغانستان فعال شد و از ورزش برای ارتقای ثبات در منطقه استفاده کرد که این برنامه به ایجاد روابط بین ورزشکاران افغان و آمریکایی کمک کرد و فرصت‌هایی را برای زنان افغان برای شرکت در مجامع بین‌المللی ورزش فراهم نمود (Robertson, 2012: 33). مورد دیگر، در سفر رئیس‌جمهور ایالات متحده به کوبا (۲۰۱۶)، نه تنها دو کشور از طریق دیپلماتیک دوباره با هم ارتباط برقرار کردند، بلکه با حضور در یک بازی بیسبال، گام مهمی در جهت حل اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی بین کوبا و ایالات متحده برداشته شد. هم‌چنین دیپلماسی ورزشی (کشتی)، در ساخت روابط تهران و واشنگتن نقشی قابل توجهی را ایفا کرد که نه تنها باعث برقراری روابط غیرسیاسی میان دو کشور شد، بلکه باعث کاهش تنش‌ها و حتی در مواردی باعث ابراز تأسف آمریکا از رفتار گذشته خود در قبال ایران گردید (مختاری و کشیشیان سیرکی، ۱۴۰۱: ۹۸).

در بازی‌های المپیک زمستانی (۲۰۱۸)، کره شمالی و جنوبی با هم راهپیمایی کردند. در ابتدا یک تیم متحد هاکی روی یخ زنان کره تشکیل و سپس تیم‌های مشترکی را در رشته‌های ورزشی خاص ترتیب و در این مسابقات به رقابت پرداختند که نهایتاً دیپلماسی ورزشی در تلاش‌های جاری برای بهبود روابط بین کره شمالی و جنوبی نقش داشت (Murray, 2018: 35). در دهه ۱۹۹۰، دیپلماسی ورزشی برای کمک به پایان دادن به جنگ داخلی در بوسنی و هرزگوین مورد استفاده قرار گرفت. تیم ملی فوتبال بوسنی که از بازیکنان هر سه قوم این کشور تشکیل شده بود، یک سری مسابقات را در ایالات متحده انجام داد. این مسابقات به ترویج آشتی و تفاهم بین گروه‌های قومی مختلف در بوسنی کمک فراوانی کرد (Forster, 2017).

## ۶-۲- بازیگران غیر دولتی

در قرن بیست و یکم، فرصت استفاده از ورزش به عنوان منبع امید بیشتر در اختیار «بازیگران ورزشی غیردولتی»<sup>۲۵</sup> است که با دولت‌ها نیز همکاری می‌کنند (Sportanddev.org Community, 2020). این بازیگران غیردولتی که غالباً با هدف ایجاد و ترویج صلح تأسیس شده‌اند، از دیپلماسی ورزشی به‌عنوان راهی در جهت رفع اصطکاک و حل منازعه بین بازیگران دولتی یا غیر دولتی استفاده می‌نمایند. اشخاص و بازیکنان، باشگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی ورزشی و رژیم‌ها تنها نمونه‌هایی از

<sup>22</sup> Stadium Diplomacy

<sup>23</sup> Sport for Development and Peace International Working Group (SDP IWG)

<sup>24</sup> SportsUnited

<sup>25</sup> NonState Sporting Actors

(NSSAs) هستند که در جهت برنامه‌های (SCR) و دیپلماسی ورزشی در موقعیت بهتری نسبت به دولت‌ها قرار دارند (Murray and Pigman 2014, 1112).

(NSSAs)ها بر خلاف دولت‌ها، منافع ملی را دنبال نمی‌کنند (Friedman, 2007: 38) و همان‌طور که «کوبیرسکی»<sup>۲۶</sup> می‌گوید: «سودمندی آن‌ها بیشتر شامل ارائه یک کارکرد میانجیگری است» (Kobierecki, 2020: 45). لذا ظرفیت این بازیگران فراتر از چیزی است که تصور می‌شود و در این راستا «ماندلا»<sup>۲۷</sup> به درستی به نکته مهمی اشاره کرد: «ورزش قوی‌تر از دولت است و کلید تحقق واقعی قدرت ورزش برای تغییر جهان و متحد کردن مردم در (NSSAs) نهفته است». نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که (NSSAs)ها برای تحقق «امنیت انسانی»<sup>۲۸</sup> نیز حیاتی هستند. امنیت انسانی بسیار ضروری است؛ زیرا از مفاهیم سنتی و دولت محور فاصله می‌گیرد و بر امنیت افراد، حفاظت و توانمندسازی‌شان تمرکز می‌کند. پس آن‌ها هم خالق و هم حافظ یک رابطه‌ی تقویت شده، حیاتی و مثبت بین ورزش و «امنیت، توسعه و حقوق بشر»<sup>۲۹</sup> هستند (Commission on Human Security 2009: 5). در واقع مخلص کلام این است که اگر ورزش نتواند جهان را تغییر دهد، مطمئناً می‌تواند به بهبود زندگی انسان‌ها و امنیت انسانی‌شان کمک نماید. نمونه مثال‌های (NSSAs) بهتر می‌تواند ما را در فهم نقش دیپلماسی ورزشی در چارچوب (SCR) یاری رساند.

## ۶-۲-۱- اشخاص و بازیکنان

از نمونه‌هایی که نقش دیپلماسی ورزشی در جهت (SCR) مشهود است، آتش‌بس هفته‌منتهی به کریسمس در جریان جنگ جهانی اول است. شماری از سربازان دو طرف در ابتدا با سلام و دست تکان دادن، به‌همدیگر نزدیک شده و غذا رد و بدل کرده و در سرزمین (No Man's) مسابقه فوتبال دادند و نهایتاً قرار گذاشتند بعد از اتمام جنگ همدیگر را ملاقات کنند و با این کار عملاً یک آتش‌بس نانوشته هر چند کوتاه را به اجرا گذاشتند. لذا می‌توان ذات ورزش را در اینجا نیز مشاهده نمود که اصطکاک بین دشمنان را در جنگی‌ترین شرایط به حداقل رساند (Wiedemann & et al, 2021: 625). مورد دیگر در سال ۱۹۶۶، «محمد علی»<sup>۳۰</sup> بوکسور معروف آمریکایی، از جنگیدن در جنگ ویتنام امتناع کرد و از طریق یک پیام ساده و معروف، احساس بسیاری از آمریکایی‌ها در مورد جنگ را بیان نمود: «مردم، من هیچ دعوی با آن‌ها ندارم» و همچنین در آگوست ۲۰۱۶، در حین پخش سرود ملی، «کپرنیک»<sup>۳۱</sup> بازیکن فوتبال آمریکایی در اعتراض به نابرابری نژادی، خشونت پلیس و ظلم به رنگین پوستان، با زانو زدن خود، توجه جهانی را به خود جلب کرد. ژست خاموش او الهام بخش بسیاری از ستاره‌های سیاه و سفید دیگر ورزش‌ها شد و در عرض چند ماه او نماینده این جنبش اعتراض آمیز شد (Jennings, 2017). با این حال، تاکنون، تعداد کمی از مقامات دیپلماتیک از ورزش به عنوان دیپلماسی استفاده نموده‌اند (Rofe, 2018; Murray, 2018).

در اینجا ذکر نکته‌ای لازم است و آن وجود نقش پر رنگ و کلیدی زنان در دیپلماسی ورزشی است که نباید از آن غافل ماند. مسابقات قهرمانی باشگاه‌های جهان زنان، دستاوردهای ورزشکاران زن و موفقیت‌هایی که به دست می‌آورند، پتانسیل ایجاد تغییرات اجتماعی را دارد. در واقع دستاوردهای آنان در ورزش جوامع را قادر می‌سازد تا در مورد توانمندسازی و برابری زنان در جوامع صحبت کرده و حکمرانان را قانع کنند که ورزش زنان می‌تواند به عنوان شاخه دیپلماسی ورزشی، نقش به‌سزایی ایفا نماید. یک مثال خوب از دیپلماسی ورزشی در عمل این است که چگونه «سامانتا پاور»<sup>۳۲</sup>، سفیر سابق ایالات متحده در سازمان ملل، در بسیاری از سفرهای خارجی خود از ورزش برای شکستن موانع و ارتباط با زنان و دختران درسراسرجهان

<sup>26</sup> Michał Kobierecki

<sup>27</sup> Nelson Mandela

<sup>28</sup> Human Security

<sup>29</sup> Security, Development and Human Rights

<sup>30</sup> Muhammad Ali Clay

<sup>31</sup> Colin Kaepernick

<sup>32</sup> Samantha Power

استفاده کرد. در همین راستا وی توانست منازعاتی که غالباً رنگ و بوی جنسیتی داشتند، از بین برد و حکمرانان را وادار ساخت تا تأمین امنیت انسانی به خصوصاً زنان را در اولویت خود قرار دهند (Thibodeau, 2020).

### ۶-۲-۲- تیم‌ها

در عین آن‌که ساحل عاج از سال ۲۰۰۲ درگیر جنگ داخلی بود، به جام جهانی ۲۰۰۶ راه یافت و برای اولین بار در تاریخ بود که آنها می‌توانستند در بالاترین سطح فوتبال حضور داشته باشند. مهم‌ترین اتفاق فوتبالی آن شب پیروزی، در رختکن ورزشگاه شکل گرفت. با پایان جشن، یک دوربین تلویزیون اجازه ورود به رختکن را پیدا کرد. «دروگبا»<sup>۳۳</sup> در میان جمع آماده صحبت کردن بود: «مردان و زنان ساحل عاج، امروز ثابت کردیم که همه ساحل عاجی‌ها می‌توانند همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند ... خواهش می‌کنیم اسلحه‌های خود را زمین بگذارید». ویدیوی صحبت‌های دروگبا به صورت بی‌وقفه از تلویزیون پخش می‌شد و ماه‌های بعدی تغییرات بسیار دراماتیکی به دنبال داشت که نهایتاً منجر شد هر دو طرف به میز مذاکره نزدیک‌تر شده و در نهایت آتش‌بس اعلام شود (Olivier, 2020). دروگبا و هم تیمی‌هایش در ساحل عاج نقشی حیاتی در پایان یک جنگ داخلی داشتند اما از این نکته نباید غافل ماند که رسانه‌ها نیز نقش برجسته‌ای در کنار دیپلماسی ورزشی دارند و همان‌طور که عبدی و همکاران بر آن معتقدند «نقش رسانه‌ها در جهت تسریع موفقیت دیپلماسی ورزشی، برجسته است» (عبدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷).

در سال ۲۰۱۳، پیروزی تیم کریکت افغانستان بر کنیا به تنهایی یک شاهکار قابل توجه بود؛ چرا که کشوری که از اواخر دهه ۱۹۶۰ درگیر بحران و جنگ بود، توانست به اولین تورنمنت بین‌المللی خود، یعنی جام جهانی «شورای بین‌المللی کریکت»<sup>۳۴</sup> که در ۲۰۱۵ برگزار می‌شد، راه یابد. تمام ملت، از جمله طالبان، جشن گرفتند (لازم به ذکر است که در دوران حاکمیت طالبان از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، تنها ورزش کریکت استثناء بود که توسط طالبان مجاز شمرده شد). پیروزی چیزی را برای افغانستان فراهم کرد که هیچ سیاستمداری نمی‌توانست آن را فراهم کند و آن، وحدت، برای ملتی بود که سال‌ها جنگ داشته است. شادی و جشن در همه‌جای افغانستان برقرار بود (International Cricket Council, 2015).

### ۶-۲-۳- باشگاه‌ها

باشگاه‌های ورزشی نیز از برندگان جهانی و شبکه‌های خود برای برقراری ارتباط و تقویت پیام‌های مثبت اجتماعی و دیپلماتیک استفاده می‌کنند. برای مثال، «بارسلونا»<sup>۳۵</sup> در سال ۲۰۰۶، با «یونیسف»<sup>۳۶</sup> همکاری کرد تا یک شراکت ده ساله جهانی را با هدف کمک به کودکان در کشورهای با درآمد پایین آغاز کند. باشگاه همچنین موافقت کرد که حداقل ۱.۵ میلیون یورو در سال به یونیسف کمک کند. در سال ۲۰۱۶، دو سازمان توافقنامه چهار ساله جدیدی را امضا کردند؛ زیرا مشارکت قبلی، بسیار مثبت ارزیابی شد و به بهبود زندگی بیش از یک میلیون کودک در هفت کشور کمک کرد. «جوزپ ماریا بارتومئو»<sup>۳۷</sup>، رئیس فعلی بارسا می‌گوید: «بارسلونا، باشگاه کودکان جهان است و یونیسف بهترین شریک برای این سفر است». بسیاری از باشگاه‌های دیگر در سطح محلی، ملی و بین‌المللی در فعالیت‌های مشابهی تحت عنوان «مسئولیت اجتماعی باشگاه در صنعت ورزش» شرکت می‌کنند (Muray, 2018:142).

<sup>33</sup> بازیکن اسبق تیم چلسی Didier Drogba

<sup>34</sup> International Cricket Council (ICC)

<sup>35</sup> FC Barcelona

<sup>36</sup> United Nations Children's Fund (UNICEF)

<sup>37</sup> Josep Maria Bartomeu

## ۶-۲-۴- رژیم‌ها

بارزترین بازیگر در جامعه جهانی ورزش، رژیم‌های ورزشی هستند که به عنوان بازیگران دیپلماتیک ورزشی، جامعه جهانی ورزش را مدیریت می‌کنند. کار اصلی آن‌ها سازماندهی ورزش است اما به طور فزاینده‌ای، از دیپلماسی ورزشی برای حل مشکلات بین‌المللی استفاده می‌کنند. بزرگترین و معروف‌ترین آن، «کمیته بین‌المللی المپیک»<sup>۳۸</sup> است که نمونه بارز یک بازیگر سیاسی بوده و دارای پرچم، منشور و نمایندگان خود می‌باشد (Murray and Pigman 2014, 1112). به طور خاص، (IOC) نشان دهنده دو رویکرد از دیپلماسی ورزشی است. اولین مورد، آتش‌بس المپیک است که مظهر جستجوی راه‌حل‌های صلح‌آمیز و دیپلماتیک در سرتاسر جهان است. دومین مورد به رسمیت شناختن دولت است. به طور مثال با آنکه کوزوو حتی امروز، حاکمیت آن به شدت مورد مناقشه است و (IOC) نسبت به حساسیت موضوع و هم‌چنین اعتراضات بسیاری از دولت‌ها محتاط بود، اما در نهایت کوزوو را در دسامبر ۲۰۱۴ به رسمیت شناخت و اجازه داد در المپیک ۲۰۱۶ و در دوره‌های بعدی شرکت کند (IOC, 2017). پس اصرار بر اینکه ورزش و سیاست با هم ترکیب نمی‌شوند تنها یک کلیشه است و پژوهشگرانی مانند «اسپای»<sup>۳۹</sup> (۱۹۷۹)، «هابرمن»<sup>۴۰</sup> (۱۹۸۴)، «هولیهان»<sup>۴۱</sup> (۱۹۹۴، ۲۰۱۴)، «ناس»<sup>۴۲</sup> (۲۰۱۷) و بسیاری دیگر، به صراحت نشان داده‌اند که ورزش بین‌المللی و رژیم‌های حاکم بر آن سیاسی هستند. لذا دنیای ورزش با رژیم‌های بزرگ و قدرتمندی مانند «فدراسیون بین‌المللی اتومبیل»<sup>۴۳</sup>، «فدراسیون بین‌المللی فوتبال»<sup>۴۴</sup> و بسیاری از بازیگران کوچکتر و کمتر دیده شده مانند فدراسیون بین‌المللی چوگان پر شده است (Muray, 2018: 141-142).

## ۶-۲-۵- سازمان‌ها

یک مثال شناخته شده و عملی از (SCR) تأسیس سازمانی ورزشی در ایرلند شمالی<sup>۴۵</sup> با هدف غلبه بر خشونت فرقه‌ای (پروتستان‌ها علیه کاتولیک‌ها)، بود. این سازمان با ادغام بخش‌های مختلف جامعه در تیم‌های فوتبال و گروه‌های مربیگری، به تنهایی منجر شد تا هر دو فرقه به سوی حل منازعه پیش روند. لذا مشخص بود که ورزش می‌تواند کمک‌های مثبت و فزاینده‌ای در روند حل منازعه و نهایتاً ایجاد صلح انجام دهد. همچنین سازمان‌های غیردولتی مانند «فراسوی ورزش»<sup>۴۶</sup> یا «حق بازی»<sup>۴۷</sup> از ورزش برای افزایش آگاهی در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی در کشورهای جنگ زده مانند افغانستان استفاده می‌کنند (Schulenkorf et al, 2016: 156).

بنابراین قلمرو نسبتاً جدیدی از (NSSAs) مانند رژیم‌های ورزشی بین‌المللی مانند فیفا یا IOC، باشگاه‌های معروفی مانند بارسلونا، سازمان‌های غیردولتی مانند (Beyond Sport)، کسب‌وکارهایی مانند «آدیداس»<sup>۴۸</sup> یا «نایک»<sup>۴۹</sup>، نمادهای جهانی مانند «مایکل جردن»<sup>۵۰</sup>، «دیوید بکهام»<sup>۵۱</sup> یا «راجر فدرر»<sup>۵۲</sup>، در حال ترسیم یک جامعه جهانی ورزشی است. از آنجا که ورزش به خودی خود یک دیپلماسی بوده و برای کارکرد نیاز به ثبات دارد، یک پدیده دیپلماتیک به کلی مثبت است که اختلافات،

<sup>38</sup> International Olympic Committee (IOC)

<sup>39</sup> Espy, Richard

<sup>40</sup> Hoberman, John Milton

<sup>41</sup> Houlihan, Barrie

<sup>42</sup> Næss, Hans Erik

<sup>43</sup> Fédération Internationale de l'Automobile (FIA)

<sup>44</sup> Fédération Internationale de Football Association (FIFA)

<sup>۴۵</sup> شورش‌هایی است که در سال ۱۹۶۹ رخ داد و طی آن ایرلند شمالی شاهد شورش‌های سیاسی و فرقه‌ای شدیدی بود. در طول این سال خشونت‌های پراکنده ناشی از مبارزه برای حقوق مدنی و پایان دادن به تبعیض علیه کاتولیک‌های ایرلندی در این کشور وجود داشت.

<sup>46</sup> Beyond Sport

<sup>47</sup> Right to Play

<sup>48</sup> Adidas

<sup>49</sup> Nike

<sup>50</sup> Michael Jordan

<sup>51</sup> David Beckham

<sup>52</sup> Roger Federer

اصطکاک و منازعات را به حداقل می‌رساند. همچنین بیش از هر نهاد دیگری، ورزش دارای توانایی دیپلماتیک عالی برای کاهش منازعه، غلبه بر شکاف جوامع، ترویج صلح، توسعه و همدلی است.

## ۷- نتیجه

ورزش، پلت فرم قانع کننده‌ای برای شروع و حفظ گفتگوی معنادار بین طرف‌های درگیر منازعه بوده و چارچوب ورزش و حل منازعه (SCR) نیز، بر ظرفیت ورزش برای فراهم کردن زمینه‌ای بی‌طرف برای تعامل، فراتر رفتن از موانع سیاسی، فرهنگی و در نتیجه تسهیل ارتباطات و مذاکره سازنده، تاکید می‌نماید. از طریق دیپلماسی ورزشی، طرف‌های منازعه این فرصت را می‌یابند که با همتایان خود گفتگو و از خصومت‌های ریشه‌دار فراتر روند. لذا این نتیجه، قدرت دگرگون‌کننده ورزش را در توانمندسازی فردی و جمعی برجسته کرده و درک را در میان طرفین افزایش داده و منجر به تقویت روابط بین طرفین از طریق تقویت تجربیات مشترک و تلاش‌های مشترک می‌شود. در زمینه ورزش و حل منازعه، دیپلماسی ورزشی که خود جزء دیپلماسی فرهنگی بوده و در روابط بین‌الملل از اهمیت بالایی برخوردار است، حوزه‌ای نسبتاً جدید بوده که اغلب به عنوان حلقه‌ی گمشده بین سیاست، ورزش و حل منازعه توصیف شده و می‌تواند کلید تقویت (SCR) باشد. این حوزه از مطالعات که فهم آن در جهت حل منازعه بسیار ضروری بوده، بر روابط بین نهادهای سیاسی مانند دولت‌های مستقل و بازیگران غیردولتی تمرکز می‌کند، فرصت کافی برای محققان روابط بین‌الملل به وجود می‌آورد که با درک عمیق از ژئوپلیتیک، روندهای منازعه و شیوه‌های حفظ صلح، چشم‌انداز جدیدی را به (SCR) اضافه نمایند. لذا بازیگران دولتی نیز به جهت تحقق اهداف سیاست خارجی خود، از دیپلماسی ورزشی استفاده نموده تا که منافع مستقیم یا غیر مستقیم خود را تامین نمایند. در واقع برای دولت‌ها، همیشه بعد از بقا و امنیت ورزش در رتبه دوم قرار می‌گیرد و بازیگران غیردولتی نیز که غالباً به‌عنوان میانجی و با هدف ایجاد و ترویج صلح تأسیس شده‌اند، از دیپلماسی ورزشی در جهت رفع اصطکاک و حل منازعه بین بازیگران دولتی و غیر دولتی مانند گروه‌ها، ایجاد ثبات و تقویت صلح و نهایتاً تامین امنیت انسانی استفاده می‌نمایند. در واقع بازیگران غیردولتی با توسعه ظرفیت خود و افزودن شبکه‌های بیشتر به جامعه جهانی ورزش، ابزار دیپلماتیکی قوی برای بسیاری از ملت‌ها هستند این بازیگران می‌توانند پیام مثبت ورزش مانند بازی جوانمردانه و تأثیر آن را بر بستر بین‌المللی ارتقا داده و شبکه‌ای متشکل از هزاران عضو و مشارکت‌کننده ایجاد کرده‌اند که می‌توانند در به حداکثر رساندن پیوندهای مردم به مردم موثر باشند. اکنون بیش از هر زمان دیگری، بازیگران غیردولتی از منابع قدرت نرم ورزش در دیپلماسی استفاده مثبت کرده و کارکردی فراتر از یک بازی را از خود نشان می‌دهند.

توصیه به مشارکت فعال در رقابت‌ها و مبادلات ورزشی بین‌المللی به عنوان ابزاری برای تقویت دیپلماسی و ایجاد روابط بهتر با سایر کشورها می‌تواند یک پیشنهاد عملی برای ایران باشد. ایران دارای میراث فرهنگی غنی با ورزش‌های سنتی مانند ورزش پهلوانی (کشتی) و زورخانه (ورزشگاه سنتی ایرانی) است. ایران با برگزاری تورنمنت‌های بین‌المللی یا تبادلات فرهنگی با محوریت این ورزش‌های سنتی، می‌تواند جنبه متفاوتی از هویت خود را ارائه و به تفاهم و گفت‌وگو با سایر دولت‌ها به عنوان بازیگران دولتی، در جهت حل منازعه و رفع اصطکاک، دامن بزند. همچنین ایران با چالش‌های خاصی در زمینه حضور زنان در ورزش مواجه است. با تلاش فعالانه برای بهبود مشارکت زنان در ورزش، ایران می‌تواند تعهد خود را به برابری جنسیتی و توانمندسازی نشان دهد. این امر می‌تواند با ابتکاراتی مانند میزبانی رویدادهای بین‌المللی ورزشی بانوان یا اعزام ورزشکاران زن به نمایندگی از ایران در مسابقات مختلف محقق شود و از این طریق پیشرفت کشور در این زمینه را به نمایش بگذارد.

- خبیری، محمد و فتاحی زاده، ابوذر (۱۳۹۸). «دیپلماسی ورزشی: ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۸(۴۳)، ۱۶۴-۱۴۳.
- زرگر، افشین (۱۳۹۴). «ورزش و روابط بین‌الملل؛ جنبه‌های مفهومی و تئوریک»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۱(۳۱)، ۴۸-۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)، «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاهرضایی، فاطمه و شیرزادی، رضا (۱۳۹۷). «ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۵(۳)، ۱۱۷-۱۵۲.
- صباغیان، علی (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزشی»، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ۱۶(۳۱)، ۱۵۱-۱۳۱.
- عابدی، احمد و شواخی، علیرضا (۱۳۸۸)، «مقایسه روش‌شناسی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری»، *راهبرد*، ۱۹(۵۴)، ۱۶۸-۱۵۴.
- عبدی، کامبیز؛ طالب پور، مهدی و رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۸). «تعیین جایگاه صلح بین‌المللی در مدل دیپلماسی ورزشی»، *اولین همایش بین‌المللی ورزش و توسعه پایدار*، دانشگاه کردستان، ایران.
- عبدی، کامبیز؛ طالب پور، مهدی؛ فولرتون، جیمی و رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۷) با عنوان «شناسایی استراتژی‌های تبدیل منابع دیپلماسی ورزشی به برآمدهای مطلوب سیاسی از منظر نخبگان بین‌المللی»، *دومین کنفرانس حکمرانی و سیاستگذاری عمومی*، تهران.
- مختاری، سودابه و کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۴۰۱). «تأثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی بر روابط ایران و آمریکا: مطالعه موردی دیپلماسی کشتی (۱۹۹۸-۲۰۱۳)»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۵۱، صفحات ۱۰۰-۸۹.
- موسوی گرگری، سید شیما؛ بنار، نوشین و شفیع، شهرام، (۱۴۰۱). «نقش دیپلماسی ورزشی در ارتقای تعاملات بین‌المللی (نظریه داده بنیاد)»، *فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۴(۷۲)، ۱۱۵-۱۴۶.
- Allport, G. W., Clark, K., & Pettigrew, T. (1954). *"The nature of prejudice."*, Cambridge, MA: Addison-Wesley.
- Bercovitch, J., & Jackson, R. (2009). *"Conflict Resolution in the Twenty-first Century: Principles, Methods, and Approaches."*, University of Michigan Press, Ann Arbor.
- Bianco, C., & Sons, S. (2023). "More than a Game: Football and Soft Power in the Gulf." *The International Spectator*. pp1-15.
- Bogolyubova, N., Nikolaeva, Y., & Eltc, E. (2023). *"Sports Relations Between Russia and Europe Through the Lens of Sport Diplomacy,"* In, Proceedings of Topical Issues in International Political Geography. Radomir Bolgov, Vadim Atnashev, Yury Gladkiy, Art Leete, Alexey Tsyb, Sergey Pogodin, Andrei Znamenski ed TIPG 2021. Springer Geography. Cham: Springer Publishing. Pp. 346-359.
- Brown, G. W, McLean, I., & McMillan, A. (2018). *"The concise Oxford Dictionary of politics and International Relations."* Oxford University Press.
- Chehabi, H. E. (2001). "Sport diplomacy between the United States and Iran." *Diplomacy and Statecraft*, 12, no. 1, 89-106.
- Commission on Human Security. (2009). *"Human security in theory and practice."*, The United Nations, Retrieved January 4, 2023. [www.un.org/humansecurity](http://www.un.org/humansecurity).
- Colgan, A. L, Sturma, A., & Ayazi, M. (2018). *"Rethinking Conflict: Its Role In Building Peace,"* United States Institute of Peace.
- Der Derian, J. (1987). "Mediating Estrangement: A Theory for Diplomacy.", *Review of International Studies*, 13, no. 2, pp. 91-110.

- Dunning, E. (1990). "Sociological Reflections on Sport, Violence, and Civilization.", *International Review for the Sociology of Sport*, 25, no. 1. pp .65-81.
- Espy, R. (1979). *The Politics of the Olympic Games. Berkeley.*, CA: University of California Press.
- Ettinger, A. (2023). "Saudi Arabia, sports diplomacy and authoritarian capitalism in world politics.", *International Journal of Sport Policy and Politics*. Pp. 1-17.
- Friedman, T. (2007). *The World Is Flat: A Brief History of the Twenty-First Century.*, New York: Picador.
- Forster, J. (2017). "Peace Through Sports: An Introduction To Sports Diplomacy.", The Organization for World Peace (OWP). Retrieved January 4, 2023. <https://theowp.org/reports/peace-through-sports-an-introduction-to-sports-diplomacy/>.
- Gluckman, M. (1973). *Sport and Conflict.* In Sport in the Modern World: Chances and Problems, ed. Ommo Groupe, Dietrich Kurz, and Johannes Marcus Teipel, Berlin, Germany: Springer, pp. 48–54.
- Guiberteau, O. (2020). "Didier Drogba: How Ivory Coast striker helped to halt civil war in his home nation.", Retrieved December 28, 2022, [https:// www. bbc. Com /sport /football /52072592](https://www.bbc.com/sport/football/52072592).
- Hoberman, J. M. (1984). *Sport and Political Ideology.*, Austin, TX: University of Texas Press.
- Houlihan, B. (1994). *Sport and International Politics.*, New York: Harvester Wheatsheaf.
- Imm, J. (2022). *Why is Conflict Resolution Important,* North Central College.
- International Cricket Council. (2015). "Afghanistan Dare to Dream in Debut Win.", ICC Cricket, Retrieved March 28, 2023 <https://www.icc-cricket.com/news/181130>.
- International Olympic Committee (IOC). (2017). "Peace and development through sport." Retrieved December 25, 2022, <https://olympics.com/ioc/peace-and-development>.
- Jennings, Patrick. (2017). "Colin Kaepernick: From One Man Kneeling to a Movement Dividing a Country." BBC, Retrieved March 20, 2023 <https://www.bbc.com/sport/american-football/41530732>.
- Kobierecki, M. (2020). *Sports Diplomacy: Sports in the Diplomatic Activities of States and Non-State Actors.* Lexington Books.
- Lee, H. M. (1998). "The Ancient Olympic Games: Origin, Evolution, Revolution." *Classical Bulletin*, 74(2) . 129-141.
- Lorenz, K. (2005). *On Aggression.*, Translated by Marjorie Kerr Wilson With a foreword by Julian Huxley, New York: Routledge.
- Meier, K. V. (1981). "On the Inadequacies of Sociological Definitions of Sport." *International Review of Sport Sociology*, 16(2). Pp. 79–102.
- Moolakkattu, M. J. (2020). "Cricket Diplomacy and The India-Pakistan Peace Process." *Peace Review*, 32(4), 426-433.
- Murray, S., & Yang, T. (2023). *Sports Diplomacy in the Pacific Region and the Sino-Australian Great Game.* In The Geopolitical Economy of Sport: Power, Politics, Money, and the State, ed Simon Chadwick, Paul Widdop, and Michael M. Goldman pp. 262-270. Routledge.
- Murray, S. (2022). *Sport, Diplomacy, and Rapprochement.* In The Oxford Handbook of Sport and Society, ed Wenner, Lawrence A, Oxford University Press. Pp 104-118.
- Murray, S., & Haidley, Sh. (2022). *Sport, Conflict Resolution, and Diplomacy.* In Sport for Development and Peace: Foundations and Applications, ed. Robert E. Baker, Craig Esherick and Pamela Hudson Baker, ROWMAN & LITTLEFIELD. pp. 81-104.
- Murray, S. (2018). *Sports Diplomacy: Origins, Theory and Practice.* London: Routledge.
- Murray, S. (2017). "Sports Diplomacy in the Australian Context: Theory into Strategy." *Politics and Policy*, 45(5). Pp. 841-861
- Murray, S., & Pigman, G. A. (2014). "Mapping the Relationship between International Sport and Diplomacy." *Sport in Society*, 17, no. 9. Pp. 1098-1118.

- Murray, S., Sharp, P., Wiseman, G., Crikemans, D., & Melissen, J. (2011). "The Present and Future of Diplomacy and Diplomatic Studies." *International Studies Review*, 13(4). Pp. 709-28.
- Næss, H. E. (2017). "Sandwiched between sport and politics: Fédération Internationale de l'Automobile." Formula 1, and non-democratic regimes'. *The International Journal of the History of Sport*, 34(7-8): 1-19.
- Postlethwaite, V., Jenkin, C., & Sherry, E.(2022). "Sport diplomacy: an integrative review.", *Sport Management Review*, 26(3), 361-382.
- Redeker, R. (2008). "Sport as an Opiate of International Relations: The Myth and Illusion of Sport as a Tool of Foreign Diplomacy." *Sport in Society*, 11(4). Pp. 494-500.
- Richmond, O., & Gëzim, V. (2022). "*The Palgrave Encyclopedia of Peace and Conflict Studies*." Switzerland: Springer Nature.
- Robertson, R. (2012). "Sports diplomacy in a conflict environment: The case for continued efforts in Afghanistan." *The Journal of Public Diplomacy*, 3(1), pp.31-39.
- Rofe, S. (2021). "Sport Diplomacy and Sport for Development SfD: A Discourse of Challenges and Opportunity.", *Journal of Global Sport Management*, pp.1-16.
- Rofe, S. (2018). "*Sport and Diplomacy: Games within Games*." Manchester: Manchester University Press.
- Schulenkorf, N., Sugden, J., & Sugden, J. (2016). "*Sport for Conflict Resolution and Peace Building*." In *Managing Sport Development: An International Approach*, ed. Emma Sherry, Nico Schulenkorf, and Pamm Phillips, New York: Routledge. pp. 147-158.
- Sharp, P. (2012). "*Diplomacy in International Relations Theory and Other Disciplinary Perspectives*." In *Diplomacy in a Globalizing World*, ed. Pauline Kerr and Geoffrey Wiseman, London: Oxford University Press.
- Sportanddev.org Community. (2020). "Non-state actors as game changers in sport diplomacy." <https://www.sportanddev.org/latest/news/non-state-actors-game-changers-sport-diplomacy>.
- Sugden, J. (2013). "*The Ripple Effect: Critical Pragmatism, Conflict Resolution and Peace Building through Sport in Deeply Divided Societies*." In *Global Sport-for-Development: Critical Perspectives*, ed. Nico Schulenkorf and Daryl Adair, London: Palgrave Macmillan, pp. 79-96.
- Sugden, J. (2010). "Critical Left-Realism and Sport Interventions in Divided Societies." *International Review for the Sociology of Sport*, 45(3), pp. 258-272.
- Thibodeau, D. (2020). "*Sport diplomacy for development and peace*." Sportanddev.org.
- Trunkos, J., & Heere, B. (2017). "*Sport diplomacy: A review of how sports can be used to improve international relationships*." Case studies in sport diplomacy. Pp.1-18.
- Wani, H. A. (2011). "Understanding conflict resolution." *International Journal of Humanities and Social Science*, 1(2). pp. 104-111.
- Wen, Y. (2023). "*Sports Diplomacy and International Relations of China*." In *Routledge Handbook of Sport in China*, ed. Fan Hong, Liu Li, Routledge, pp. 118-123.
- Wiedemann, N. J., Pina e Cunha, M., & Clegg, S. R. (2021). "Rethinking resistance as an act of improvisation: Lessons from the 1914 Christmas truce." *Organization Studies*, 42(4), 615-635.